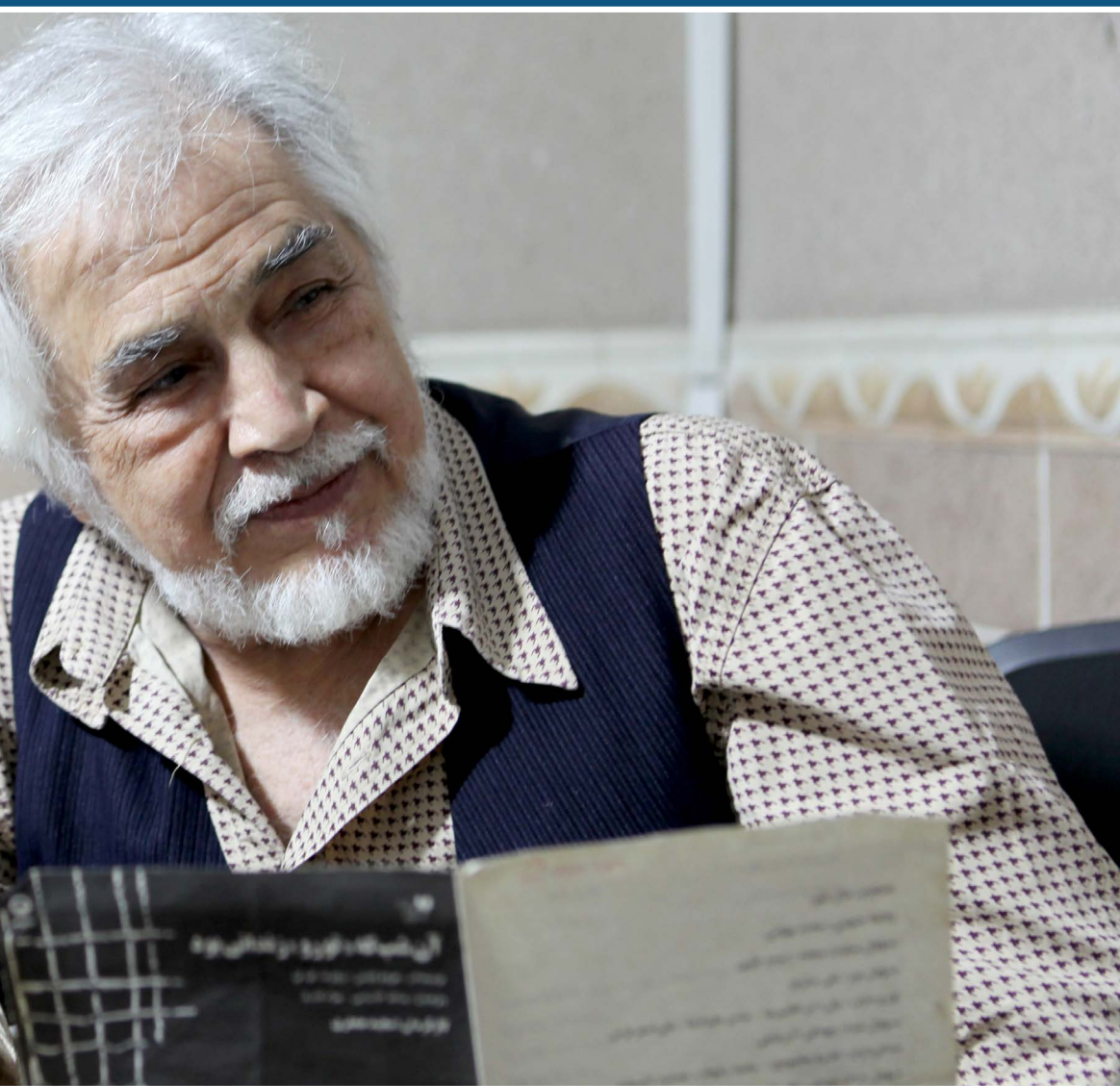


کافه خاطره صبا؛ گفت و گو با مجید جعفری کارگردان و بازیگر پیشکسوت

جزو گزینه‌ها برای نقش



احمد محمد اسماعیلی
گفت و گو

مجید جعفری بر خاسته از نسل درخشان هنرمندان شیرازی در دهه پنجاه است که در بعد از انقلاب در عرصه‌های مختلف هنری حضور ملموس و تاثیر گذاری داشته است. هنرمندی که یک گراند درخشان مدیریت تئاتر و ریاست مجموعه تئاتر شهر در دهه هفتاد را دارد و خالق تعدادی از بهترین تئاترهای دهه هفتاد ایران از قبیل آنتیگونه، هملت، خاطرات دوشنبه، آن شب که تورو زندانی بود، عقابی با دوسر و... بود. او در عرصه سریال سازی و بازیگری سینما با آثاری مثل نیمه پنهان ماه و پرواز پنجم ژوئن نیز موفق و تاثیر گذار بود. در این شماره کافه خاطره صبا، که محفلی نوستالژیک با اهالی فرهنگ و هنر است با مجید جعفری چهار دهه فعالیت کاری اش در سمت‌های مختلف مدیریتی، کارگردانی و بازیگری را مروری کرده ایم.

شما در دهه هفتاد دوران موفق مدیریتی در مجموعه تئاتر شهر داشتید که رضایت هنرمندان را در پی داشت. اما در سال‌های اخیر چنین رضایتی در بین هنرمندان از تئاتر شهر دیده نمی‌شود و مسئولینش اعتقاد دارند که امکانات این مجموعه پاسخگوی تعداد زیاد هنرمندان تئاتری نیست. چقدر این توجیه می‌تواند قابل قبول باشد؟

بعد از انقلاب به دلایل زیادی از جمله بروز جنگ و عدم آشنایی حاکمیت در بحث فرهنگ و هنر این مقوله دچار چالش‌هایی شد. حاکمیت هنر و تئاتر را در حد کارهای نمایشی انقلابی که در مساجد انجام می‌شد و سخنرانی واعظان متصور بود. تعدادی هم اهل هنر در حوزه مدیریت وجود داشتند که در این رشته تحصیل کرده بودند و متأسفانه با تئاتر و سینما سنخیتی نداشتند و بیشتر معمار بودند.

مثال هم می‌زنید؟

مثل سید محمد بهشتی، انوار و محمد علی نجفی و غیره. اینها همه پیشینه دانشگاهی در رشته معماری داشتند. معمار خیلی خوب است و البته به درد شهر سازی می‌خورد. این افراد معماری را به سینما آوردند.

به این قضیه هم نقد دارید؟

بله، در آن سالها تعدادی از فعالان هنری از ایران رفتند. عده‌ای کنار گذاشته شدند و عده دیگر هم ناخواستند تمایلی برای کار کردن نداشتند. عده‌ای که آمده بودند خیلی به تئاتر وارد نبودند و کسانی نبودند که بتوانند نسل جوان تئاتری تربیت کنند. در حالی که تئاتر نیازمند تعلیم و شکل‌گیری رابطه استاد - شاگردی است. نسل قبلی کنار رفته بود و نسل جوان هم بدون آموزش لازم کارش را شروع کرد.

اما در آن دوران هنرمندی مثل مرحوم جمشید مشایخی در مدیریت تئاتر فعالیت می‌کرد؟

جمشید مشایخی کار مدیریتی کوتاه مدتی انجام داد و نه او نه انتظامی و سایرین نمایشی را اجرا نکردند. نسلی آمد که بدون پشتوانه و پختگی وارد عرصه شد و رابطه استاد - شاگردی از بین رفت و تئاتر ابتر شد و وضعیت کارهای ضعیف موجود ماحصل آن دوران است. تعدادی دلسوز وجود داشتند که عده‌ای از هنرمندان تئاتر را دور هم جمع کردند که کارشان سرانجامی پیدا نکرد. در ادامه دانشگاه‌های هنری کارشان را شروع کردند که تاثیر زیادی نداشتند و بیشتر کارشناس تربیت کردند تا هنرمند تئاتری.

یعنی نسل هنرمندانی نظیر محمد یعقوبی، کیومرث مرادی و سایرین که در دهه هفتاد در تئاتر تحول به وجود آوردند خود جوش کار کردند و تحصیلات دانشگاهی آنها بی‌ثمر بود؟

این اسامی که مثل محمد یعقوبی نام بردید گروه داشتند. در گروه یعقوبی نام‌هایی مثل بهرام، امیر جعفری و رامین فر بودند. موقعی که گروه شکل می‌گیرد اتفاق خلاقه نمایشی به وجود می‌آید. اینها با تجربه و اجرای نمایش به تکامل رسیدند. دانشگاه ۱۴۴ واحد تئوری دارد و فقط ۴ عملی دارد. در آن سالها تعداد هنرمندان در حدود چهار هزار نفر بود. الان تعداد به سیصد هزار نفر رسیده است. اما آیا در این مدت سالن دولتی به ظرفیت تئاتر ما اضافه شده است؟

فقط تماشاخانه ایران شهر و سالنی حوالی افسر به...؟

بله، خب این جواب نیازهای هنرمندان را نمی‌دهد و هیچ هماهنگی بین ظرفیت ورودی دانشگاه‌ها و تعداد سالن‌ها وجود ندارد.

اینکه عده‌ای معتقدند مدیریت علی منتظری در دهه شصت تئاتر را از نابودی نجات داد چقدر درست است؟

تئاتر در آن دوران دچار مشکل شده بود. علی منتظری موقعی که آمد می‌دانست تئاتر جزو اولویتها است و کارش را درست انجام داد و حرفه‌ای‌های تئاتر به کار برگشتند و اجراهای خوبی روی صحنه می‌رفت و بودجه‌ای که برای تئاتر نبود کم کم خلق شد.

شما نزدیک به چهار ده سال مدیریت مهم‌ترین مجموعه تئاتری (تئاتر شهر) را برای عهده داشتید. در انتخاب نمایش‌ها

شما فقط ارائه راهکار می‌دادید و دخالتی در کار کارگردان نمی‌کردید؟

دخالت نمی‌کردم و فقط نکات موثر را ارائه می‌کردم و برخی که به این توصیه‌ها عمل نمی‌کردند نمایش‌شان شکست می‌خورد. همیشه تاکید داشتم هنرمندانی را برای نمایش‌شان انتخاب کنند که از عهده کار بر بیایند و تئاتر شهر جای حرفه‌ای‌ها است.

بنابراین به جوان‌ها فرصت اجرا در مجموعه تئاتر شهر را نمی‌دادید؟

برای جوان‌ها از فرمول دیگری استفاده می‌کردم. همین محمد یعقوبی در آن سالها یک جوان بود و آمد پیش من و گفت ما گروهی متشکل از چند جوان هستیم و متنی با عنوان «شب به خیر مادر» را چند جا برای اجرا ارائه کرده‌ایم و از ما قبولش نکردند، چه کاری انجام بدهیم تا فرصت اجرا داشته باشیم؟ گفتم بخشی از متن را اجرا کنید. کار را دیدم و موافقت کردم که در سالن شماره دو که سالن کوچکی بود اجرا کنند. کار را دیدم و متوجه پتانسیل‌های محمد یعقوبی و گروهش شدم. الان همه اعضا مثل امیر جعفری و رامین فر و سایرین که از آن گروه‌ها برآمده بودند جزو شاخص‌های بازیگری سینما و تلویزیون هستند. حسن حامد را که می‌شناسید. روزی آمد دفترم و با لجه مشهدی‌اش گفت می‌خواهم نمایشی اجرا کنم دست من را بگیر. از لحنش خوشم آمد و گفتم منتت چگونه است. گفت یک متن دو نفره دارد و بخشی از آن را دیدم که رضا عطاران و مونا غمخوار در آن بازی داشتند. متوجه شدم کار درخشانی است و به او فرصت اجرا دادم. عطاران از آن به بعد شد عطاران. به هر حال یک مدیر باید انگیزه و دغدغه کارش را داشته باشد.

پس توامان به جوان‌ها و با تجربه‌ها فرصت اجرا می‌دادید.

برای اجرا در این مجموعه چه معیارهایی داشتید؟

ابتدا به این فکر کردم که چگونه می‌توان بودجه برای کارمان داشته باشیم و با تلاش توانستیم بودجه‌ای به صورت اختصاصی برای تئاتر بگیریم. البته بودجه‌ای که خیلی کم بود.

آیا کارگردانی که قصد اجرای نمایش در تئاتر شهر داشت از شما انتظار دریافت بودجه داشت؟

من تلاش کردم که پیش تولید و کارهای سخت افزاری اجرای یک نمایش مثل ساخت دکور، طراحی و گریم را در کارگاه‌های تولید انجام بدهیم که برای اجرای یک نمایش هزینه زیادی را به گروه تحمیل می‌کرد و ما این کمک را انجام می‌دادیم.

بنابراین کارگردان با داشتن این امکانات فقط دستمزد بازیگران را باید پرداخت می‌کرد؟

بله، بقیه مسائل را تلاش می‌کردیم مدیریت و برای گروه‌ها انجام بدهیم و با بحث فروش از گیشه هزینه‌های یک اجرا پرداخت شود.

آیا همه اجراهای تئاتر شهر با توفیق مالی همراه می‌شد؟

اگر به توصیه‌های من گوش می‌دادند و در کنارش از بازیگران نام آشنا مثل نمایش‌هایی نظیر پیروزی در شیکاگو داود رشیدی استفاده می‌شد کار با توفیق مالی همراه می‌شد.

آیا تجربه شکست خورده‌ای هم وجود داشت؟

بله، برخی از دوستان کارگردان به توصیه‌ها عمل نمی‌کردند و کارشان در گیشه شکست می‌خورد.

ضرر مالی این نمایش‌ها چگونه جبران می‌شد؟

از بخشی از درآمد گیشه سایر نمایش‌ها که ذخیره شده بود دستمزد عوامل این نوع نمایش‌ها پرداخت می‌شد. همیشه در این صندوق منابع مالی داشتیم که برای این نوع اتفاقات هزینه بشود.